

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## حقوق مسئولیت بین‌المللی جانشینی دولت



دکتر محمد ستایش پور

استادیار حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق دانشگاه قم

زیر نظر و با دیباچه

دکتر مصطفی فضائلی

دانشیار حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق دانشگاه قم

سیرشناسه	ستایشپور، محمد - ۱۳۶۹ Setayeshpur, Mohammad - ۱۳۶۹
عنوان و نام	حقوق مسئولیت بین المللی جانشینی دولت/محمد ستایشپور؛ زیر نظر و با دبیاچه مصطفی فضائلی
پدیدآور	مشخصات نشر
مشخصات نشر	قم: دانشگاه قم، انتشارات، ۱۴۰۳. مشخصات ظاهری: ۲۷۶ ص.
یادداشت	978-622-5515-28-4 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع	:
موضوع	مسئولیت دولت (حقوق بین الملل)
موضوع	Government liability (International law)
موضوع	دیوان بین المللی دادگستری -- قوانین و رویدهای
موضوع	International Court of Justice -- Rules and practice
موضوع	جانشینی دولتها
شناخته افزوده	حقوق بین الملل
شناخته افزوده	دانشگاه قم، انتشارات
شناخته افزوده	KZ4080 رده بندی دیوبی: ۳۴۱/۲۶ شماره کتابشناسی: ۹۷۶۹۷۷۹۹



### انتشارات دانشگاه قم

عنوان: حقوق مسئولیت بین المللی جانشینی دولت

مولفان: دکتر محمد ستایش پور

ناظر فنی: علیرضا معظمی

صفحه آرا و طراح جلد: احمد رضا خیدری

نوبت و سال چاپ: اول، پاییز ۱۴۰۳

چاپ و صحافی: هوشنگی

بهاء: ۱۵۰۰۰۰ تومان

شمارگان: ۵۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۵۱۵-۲۸-۴

۹۷۸-۶۲۲-۵۵۱۵-۲۸-۴

ISBN: 978-622-5515-28-4

۹۷۸-۶۲۲-۵۵۱۵-۲۸-۴

آدرس الکترونیکی: <https://book.qom.ac.ir>

کلیه حقوق مادی و معنوی برای ناشر محفوظ است.

قم، بلوار الغدیر، دانشگاه قم، اداره چاپ و انتشارات دانشگاه

تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۰۳۳۴۴ --- ۰۲۵-۳۲۱۰۳۳۷۷

تَعْدِيمُهُ

ساحت مقدس کریمہ اہل بیت، حضرت فاطمہ مصوصہ (س)

و

پروپاگنڈا عزیزم کے دیون از خودکندگی و مرثان، ستم.



## **کوئٹہ نوشتہا**

**ARIO:** Articles on the Responsibility of International Organizations

**ARSIWA:** Articles on the Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts

**ICJ:** International Court of Justice

**ILC:** International Law Commission

**PCIJ:** Permanent Court of International Justice

**Res:** Resolution

**UN:** United Nations

**UNGA:** United Nations General Assembly

**UNSC:** United Nations Security Council



## **دیباچه استاد ارجمند، جناب آقای دکتر مصطفی فضائلی**

نظام حقوقی در هر جامعه‌ای اعم از ملی و بین‌المللی به سامانه‌ای متشكل از مجموعه‌ای الزاماً اور از هنجارها، نهادها، آئین‌ها و مکانیزم‌هایی اطلاق می‌شود که حیات جمعی را در حوزه‌های مختلف مدنی، سیاسی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نظم و انتظام می‌بخشد. به این منظور، هر نظام حقوقی دو دسته از قواعد و هنجارها را دربر می‌گیرد که از آنها به قواعد اولیه و ثانویه تعبیر می‌شود و بر همین نمط دو دسته تعهدات موسوم به تعهدات اولیه و ثانویه را پدید می‌آورد. توضیح این که هنجارهای حقوقی در وهله نخست تنظیم روابط میان اعضای جامعه را موضوع خود قرار می‌دهند و حقوق و تعهدات طرفین یا طرفهای هر رابطه را تعیین کرده یا تعین می‌بخشند و در وهله بعد، فرض نقض آن حقوق و تعهدات نخستین را، به عنوان یک واقعیت انکار ناپذیر، در حیات اجتماعی بشر ملحوظ می‌دارند و به تعیین و تبیین موازین، آئین و مکانیزم‌هایی مبادرت می‌ورزند که با مسئول و پاسخگو دانستن عامل یا عاملان نقض، به علاج پیامدهای ناشی از چنین وضعیتی می‌پردازنند. بنابراین قواعد، آئین‌ها و مکانیزم‌های ناظر بر چنین وضعیتی خود بخشی از سامانه حقوقی را تشکیل می‌هند که از آن به حقوق مسئولیت، و در نظام بین‌المللی حقوق مسئولیت بین‌المللی، تعبیر می‌شود. اصولاً در همه نظام‌های حقوقی هرگاه شخصی مرتكب نقض قوانین و تعهدات اولیه شود مسئول شناخته شده و باید پاسخگوی پیامدهای ناشی از نقض باشد. این مسئولیت و پاسخگویی وظیفه جبران و یا تحمل مجازات و یا هر دو را برای ناقض دربرخواهد داشت.

یکی از مسائلی که در حوزه حقوق مسئولیت در نظام‌های داخلی ممکن است رخ بنماید این است که گاهی شخص یا اشخاص ناقض حقوق و تعهدات اولیه، پیش از آن که به تعهدات ثانویه ناشی از نقض عمل کرده باشند، حیاتشان خاتمه یافته است و دیگر امکان تعقیب حقوقی و قضایی، پاسخگویی و جبران یا تحمل مجازات در مورد آنها متوفی می‌گردد. در چنین وضعیتی سوال مهمی بروز می‌نماید و آن این که تکلیف

مسئولیت متوفی و حق جبران برای زیاندیده یا قربانی نقض چه می‌شود؟ در حقوق داخلی این مساله به نظر حل شده می‌نماید، زیرا قاعده بر این قرار گرفته است که مسئولیت کیفری شخص با فوت او فاقد موضوع شده و متوفی می‌گردد و مسلمًا قابل انتقال به بازماندگان، ورثه و جانشینان حقوقی او نیست. اما در خصوص مسئولیت مدنی یا غیر کیفری که نوعاً جبران‌های مالی درپی دارد، اصل بر انتقال مسئولیت به ورثه و جانشینان متوفی است. این اصل به ویژه در فرضی که متوفی ترکه‌ای بجای گذاشته باشد تردید ناپذیر می‌نماید هرچند در فرض عدم بجای ماندن ترکه، انتقال تعهد به بازماندگان محل بحث و بعض‌ا اختلاف نظر است.

در نظام حقوقی بین‌المللی نیز می‌توان گفت که در خصوص مسئولین کیفری بین‌المللی حکم همان است که نظام‌های حقوقی ملی مقرر کرده و بر آن اتفاق نموده‌اند. اما در خصوص مسئولیت بین‌المللی غیر کیفری یا مسئولیت بین‌المللی دولت و یا سازمان‌های بین‌المللی و یا احیاناً سایر تابعان حقوق بین‌الملل، حکم قضیه به این روشنی نبوده است و تا نزدیک به زمان ما همچنان بر سر این مساله که آیا مسئولیت بین‌المللی دولت یا هر تابع حقوق بین‌الملل در فرض وقوع جانشینی بین تابعان و شخصیت‌های حقوقی بین‌المللی قابل انتقال به دولت/دولتها یا سازمان/سازمان‌های جانشین خواهد بود. در وضعیت‌هایی که در جامعه بین‌المللی، با نقض حقوق و تعهدات اولیه از سوی برخی تابعان حقوق بین‌الملل به زیان برخی دیگر مواجه می‌شویم، در طول حقوق و تعهدات اولیه و به موازات متعهد و متعهد له اولیه، حقوق و تعهدات ثانویه و متعهد و متعهد له ثانویه خواهیم داشت. حال در فرضی که هر یک از دو طرف حق و تعهد اولیه جای خود را تماماً و یا بعض‌ا به دولت یا سازمانی جانشین داده باشند، تکلیف حق و تعهد ثانویه ناشی از نقض چه خواهد شد؟ آیا اصولاً تعهد به جبران و حق مطالبه آن به دولت یا دولت‌های جانشین منتقل می‌گردد یا نه؟ آیا این مساله می‌تواند پاسخی مطلق و بسیط داشته باشد یا تابع شرایط و قیود و تفصیل و تفکیک بر حسب نوع و گونه‌های مختلف جانشینی خواهد بود.

شایان گفتن است که با تاسیس نظام ملل متحده و استقرار نظمی مبتنی بر پایه اصولی همچون حاکمیت برابر دولتها، استقلال و تمامت ارضی کشورها، منع مداخله در امور داخلی کشورها، منع توسل به زور و تهدید به استفاده از زور و تعهد به حل و فصل اختلافات بین‌المللی با استفاده از روش‌های مسالمت‌آمیز، نظم نسبتاً پایداری بر جهان حاکم شده و مرزها و قلمروهای جغرافیایی و سیاسی کشورها ثبیت شده به نظر می‌رسید و بنابراین تصور می‌شد که جامعه بین‌المللی دیگر شاهد پدیده جانشینی دولتها نخواهد بود. زیرا جانشینی دولت که عبارت است از تغییر حاکمیت در یک سرزمین نوعاً محصول تعدی، تجاوز، استعمار و اشغال بوده که به باور بسیاری به برکت تاسیس سازمان ملل متحده و استقرار صلح و امنیت بین‌المللی و تدارک ساز و کارهای تامین و تضمین آن در نظام ملل متحده، دیگر از جهان رخت برپسته بود. اما شوربختانه باید گفت این خوش باوری دیری نپائید و کافی بود قرن بیستم به دهه پایانی خود نزدیک شود تا نشانه‌های سیستم بنیانی نظم جهانی قدرت محور دربی حوادث پسا جنگ سرد آشکار گردد. این حوادث ما را با شماری متعدد از موارد جانشینی دولتها مواجه ساخت و بار دیگر مسائل ناشی از جانشینی را زنده کرد و در این میان مساله آثار جانشینی بر مسئولیت بین‌المللی دولت بیش از گذشته خودنمایی کرد.

اهمیت این موضوع تا جایی است که کمیسیون حقوق بین‌الملل را، به عنوان بازوی تخصصی مجمع عمومی ملل متحد در امر تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل، بر آن داشته تا موضوع را در دستور کار قرار داده و به مطالعه‌ای جامع درباره آن بپردازد. همچنین مراجع قضایی و داوری بین‌المللی نیز به اقتضای موضوعات و مسائل ذیربط مطروح در قضایای مورد رسیدگی به موضوع جانشینی دولت در مسئولیت (شامل جانشینی در تعهدات ثانویه ناشی از نقض و جانشینی در حق مطالبه جبران برای دولت زیان دیده) ورود کرده‌اند. استنباط و اصطیاد احکام حقوقی بین‌المللی در باره مساله جانشینی در مسئولیت بین‌المللی نیازمند مطالعه‌ای فراگیر در دکترین، رویه قضایی بین‌المللی، رویه دولتها و اصول و موازین نظام حقوقی بین‌المللی عموماً و در دو حوزه مسئولیت

بین‌المللی و جانشینی دولت خصوصاً، بوده است. کتاب پیش رو به منظور انجام این ماموریت تدارک دیده شده و توانسته است نسبتاً به خوبی از عهده این مهم برآید. گفتنی است کتاب حاضر که طرح اولیه آن در قالب رساله دکتری در گروه حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق دانشگاه قم با تحسین و تشویق هیات محترم داوران با درجه عالی پذیرفته شد، مجموعه‌ای بس ارزشمند را در موضوعی نسبتاً جدید فراهم آورده و فراچنگ پژوهشگران و دانش‌پژوهان حوزه حقوق بین‌الملل قرار داده است ضمن این که دستاوردهای آن می‌تواند مورد بهره‌برداری دولت‌ها و نهادهای ملی و بین‌المللی درگیر با مسائل مرتبط با جانشینی و مسئولیت بین‌المللی واقع شود.

اینجانب افتخار داشتم که به عنوان استاد راهنمای طرح اولیه این پژوهش مشارکت داشتم و از نزدیک در جریان مراحل مختلف فرآیند آن قرار داشته باشم. گفتنی است، پژوهشگر فاضل و ارجمند جناب آقای دکتر محمد ستایش پور به منظور ارائه حاصل پژوهش خود در قالب کتاب، به توصیه اینجانب به آنچه در رساله دکتری بدست آورده بود اکتفا نکرده، بلکه پس از آن، به تبعی، تعمق و ژرف اندیشه بیش از پیش در این حوزه ادامه داده و توانسته است با بیش از سی درصد تغییر، نوآوری و تکمیل کار، اثری نسبتاً متفاوت و مستقل عرضه نماید. امید است نوشتار حاضر مورد توجه و بهره‌برداری اهل فن و دانش‌پژوهان واقع شود.

**مصطفی فضائی**  
**دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه قم**

## آغاز سخن

پیامدهای حقوقی جانشینی دولت‌ها از منظر مسئولیت بین‌المللی در زمرة مسائل حساسیت‌برانگیزی است که پس از تحقق جانشینی مطرح می‌شود و از این حیث، در اندیشه‌های حقوقی، ذیل موضوع جانشینی دولت‌ها در زمینه مسئولیت بین‌المللی بررسی شده است. چالشی بودن این موضوع، موجب شد تا کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متعدد که رسالت اصلی آن، تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل است، نیز بارها از رسیدگی به آن سر باز زند و به تازگی بر تدقیق در آن کمر همت بینند. لیک، این به معنای نبودن مفهوم پیش‌گفته در مسیر قاعده‌سازی، نیست و محاکم قضایی و داوری از رهگذر رسیدگی به قضیه مربوطه نظر دوخته و با ایضاح آن، بستر تدوین و توسعه تدریجی آن را هموار ساخته‌اند. پژوهش پیش رو با ارائه تقسیمی حصری از مصاديق عدیده جانشینی به دامنه شمول آن پرداخته است؛ انتقال تعهد ناشی از ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی و انتقال حق بر جبران خسارت. منظور از انتقال مطروح، انتقالی خودکار است؛ چه این که، انتقال توافقی آن در حقوق بین‌الملل به منزله پذیرش تعهد به جبران است و نه پذیرش ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی. از آن جا که جبران خسارت، پیامد مسئولیت بین‌المللی است، انتقال چنین تعهدی نیز منطقاً در پس آن تحقق می‌یابد لیک این به آن معنا نیست که مسئولیت ناشی از اعمال منع نشده از دامنه شمول جانشینی دولتها در زمینه مسئولیت بین‌المللی خارج شده باشد بلکه چنین مسئولیتی که جبران خسارت در آن رکن است و نه صرف یک پیامد، مقتضی است در زمرة مصاديق حق بر جبران خسارت دانسته بشود. کتاب حاضر، از مجری کنکاش در رویه محاکم، انگاره‌ها و گزاره‌های حقوقی نشان داده که مقتضی است قطع نظر از هر گونه اطلاقی، به انتقال حق بر جبران خسارت در پس جانشینی دولت نظر دوخته شود و آن، این که حقوق بین‌الملل، جانشینی دولت‌ها در زمینه حق بر جبران خسارت را روا می‌دارد. مهمی که

مقتضای تحقق عدالت است و معاهده نویسی در این زمینه، به حق، دلالت بر یک تحول مفهومی در این دانش بشری دارد.

بر خویش، فرض می‌دانم از خانواده مهربانم، و تمامی اساتید ارجمندی که، دست مرا گرفته‌اند تا در این راه، قدم بردارم و نیز انتشارات دانشگاه قم کمال تشکر را داشته باشم. از استاد عزیز و فرزانه، جناب آقای دکتر مصطفی فضائلی، که همواره دلسوزانه و با سعه صدر، راهنمای اخلاقی و علمی بندۀ بوده‌اند و هستند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌کنم. همچنین از استاد گرامی، جناب آقای دکتر سیدیاسر ضیائی که با حسن سلوک، زحمت مشاورت را کشیدند بسیار متشرکرم؛ بی‌شک، چنانچه زحمات ایشان نبود، کار می‌سور نمی‌شد. به منظور بهبود کتاب، استدعا دارم که نقطه‌نظرات خویش را به نشانی ناشر یا ایمیل نویسنده ([m.setayeshpur@qom.ac.ir](mailto:m.setayeshpur@qom.ac.ir)) ارسال نمایید.

## فهرست اختصاری مطالب

۱.....	مقدمه.....
۹ .....	<b>فصل یکم: مفهوم شناسی</b>
۱۱ .....	بند یکم: جانشینی کشورها به عنوان یک واقعیت در حقوق بینالملل .....
۴۴ .....	بند دوم: مسئولیت بینالمللی به عنوان زمینه مشترک و محوری در حقوق بینالملل.....
۵۱ .....	بند سوم: موانع پیامدهای حقوقی جانشینی دولتها در زمینه مسئولیت بینالمللی .....
۷۱ .....	برآمد فصل.....
۷۳ .....	<b>فصل دوم: جانشینی دولتها در زمینه تعهدات ناشی از عمل متخلفانه بینالمللی.....</b>
۷۶ .....	بند یکم: تبیین رویکردها در گذر زمان.....
۹۲ .....	بند دوم: رویه مراجع داوری و قضائی بینالمللی.....
۱۵۱ .....	برآمد فصل.....
۱۵۳.....	<b>فصل سوم: جانشینی دولتها در زمینه حق بر جبران خسارت.....</b>
۱۵۶.....	بند یکم: تحولات مفهومی بایستگی و نبود بایستگی انتقال حق بر جبران خسارت.....
۱۸۴.....	بند دوم: رویه دیوان بینالمللی دادگستری.....
۲۰۷.....	برآمد فصل.....
۲۰۸.....	نتیجه گیری .....
۲۱۷.....	ضمیمه .....
۲۲۳.....	منابع.....



## فهرست مطالب

۱	مقدمة
فصل يکم:	
مفهوم شناسی	
بند يکم: جانشینی کشورها به عنوان یک واقعیت در حقوق بینالملل	۱۱
الف) عناصر متشکله دولت به عنوان کنشگر اصلی جامعه بینالمللی	۱۴
ب) آشکال گونه گون جانشینی	۱۶
۱. فروپاشی (اضمحلال)	۱۶
۲. ادغام	۱۸
۳. اتحاد	۱۸
۴. جدایی (انفصال)	۲۰
۵. رهایی از استعمار	۲۱
ج) بررسی منطقی آشکال جانشینی	۳۰
د) چارچوب ترسیمی پیامدهای جانشینی دولتها از رهگذر توافقات	۳۴
۱. تأثیر جانشینی دولتها بر معاهدات بینالمللی	۳۴
۲. تأثیر جانشینی دولتها بر داراییها و دیون دولت	۳۸
۳. تأثیر جانشینی دولتها بر اموال خصوصی	۳۹
۴. تأثیر جانشینی دولتها بر تابعیت اشخاص	۴۰

بند دوم: مسئولیت بینالمللی به عنوان زمینه مشترک و محوری در حقوق بینالملل ..... ۴۴	۴۴
الف) از نقض تعهد اولیه تا استقرار قاعده ثانویه ..... ۴۴	
ب) الزاماً وری تعهدات ثانویه ..... ۴۶	۴۶
بند سوم: موانع پیامدهای حقوقی جانشینی دولتها در زمینه مسئولیت بینالمللی ..... ۵۱	۵۱
الف) استقلال در مسئولیت به عنوان سنتگینای حقوق مسئولیت بینالمللی ..... ۵۳	۵۳
ج) لوح مطهر به مثابه یک انگاره حقوقی بینالمللی ..... ۶۰	۶۰
د) گذر از موانع و قرار گرفتن در مسیر قاعده‌سازی ..... ۶۴	۶۴
برآمد فصل ..... ۷۱	۷۱

#### فصل دوم:

##### جانشینی دولتها در زمینه تعهدات ناشی از عمل مخالفانه بینالمللی

بند یکم: تبیین رویکردها در گذر زمان ..... ۷۶	۷۶
الف) گفتمان سنتی (تز) ..... ۷۹	۷۹
ب) گفتمان نوین (آنـتی تز) ..... ۸۰	۸۰
ج) تبیین سـتـرـز ..... ۸۷	۸۷
بند دوم: رویه مراجع داوری و قضائی بینالمللی ..... ۹۲	۹۲
الف) محاکم داوری ..... ۹۲	
۱. رویکرد کمیسیون داوری آمریکا- بریتانیا ..... ۹۳	۹۳
۱-۱. قضیه رابت ای براؤن علیه بریتانیا (۱۹۲۳) ..... ۹۳	
۱-۲. قضیه ردوارد و دیگران علیه ایالات متحده آمریکا (۱۹۲۵) ..... ۱۰۱	۱۰۱
۲. رویکرد کمیسیون سه جانبه دعاوی ایالات متحده آمریکا، اتریش و مجارستان ..... ۱۰۹	۱۰۹
۳. رویکرد دیوان داوری فرانسه- یونان ..... ۱۱۰	۱۱۰
ب) رویه دیوان بینالمللی دادگستری ..... ۱۱۲	۱۱۲

۱۱۲.....	۱. قضیه گابچیکوو ناگیماروس
۱۱۷.....	۲. قضیه نسلزدایی (کرواسی علیه صربستان (۲۰۱۵))
۱۳۶.....	۳. نظریه مشورتی راجع به پیامدهای حقوقی جدایی چاگوس
۱۴۸.....	ج) دستاورد رویه محاکم
۱۵۱.....	برآمد فصل

### فصل سوم:

#### جانشینی دولتها در زمینه حق بر جبران خسارت

بند یکم: تحولات مفهومی باستگی و نبود باستگی انتقال حق بر جبران خسارت.....	۱۵۶
الف) اصل عدم انتقال.....	۱۶۴
ب) ضرورت اصل بودن انتقال.....	۱۶۶
بند دوم: رویه دیوان بینالمللی دادگستری.....	۱۸۴
الف) قضیه گابچیکوو ناگیماروس.....	۱۸۴
ب) قضیه برخی اراضی فسفات در نائورو.....	۱۸۷
ج) نظریه مشورتی راجع به نامیبیا .....	۱۹۰
د) قضیه تیمور شرقی.....	۱۹۷
ه) نظریه مشورتی راجع به دیوار حائل.....	۲۰۱
ب) دستاورد رویه .....	۲۰۴
برآمد فصل.....	۲۰۷
نتیجه گیری.....	۲۰۸
ضمیمه .....	۲۱۷
منابع.....	۲۲۳



## مقدمه

موضوع جانشینی دولت‌ها در زمینه مسئولیت بین‌المللی به دو زمینه از مهم‌ترین و چالش برانگیزترین مسائل حقوق بین‌الملل، یعنی حقوق جانشینی و حقوق مسئولیت بین‌المللی مربوط می‌شود. جانشینی دولت‌ها در زمینه مسئولیت بین‌المللی به این معنا است که دولت جانشین، مسئولیت روابط بین‌المللی را در یک سرزمین بر عهده بگیرد.<sup>۱</sup> حقوق مسئولیت بین‌المللی ناظر بر آن دسته از قواعد است که در پس نقض تعهد اولیه مطرح می‌شوند. در واقع، حقوق مسئولیت بین‌المللی متضمن تعهدات ثانویه<sup>۲</sup> حقوق بین‌الملل است و ارتکاب هر عمل متخلفانه بین‌المللی، اعم از فعل و ترک فعل، موجب مسئولیت دولت دانسته می‌شود. طرح ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل<sup>۳</sup> در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها متضمن قواعد حاکم بر حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از عمل متخلفانه بین‌المللی است.

جانشینی دولت‌ها به انحصار گوناگونی قابل تحقق است؛ استقلال و استعمارزدایی، وحدت، ادغام، جدایی و انحلال، وضعیت‌هایی هستند که از رهگذر آن‌ها، می‌شود جانشینی تحقیق یابد؛ البته برخی از این وضعیت‌ها با یکدیگر هم پوشانی دارند. به طور مثال، استقلال و استعمارزدایی معمولاً<sup>۴</sup> دو روی یک سکه هستند و با یکدیگر ملازمه دارند. جامعه بین‌المللی با یک‌به‌یک وضعیت‌های پیش گفته رویارویی بوده است و وقایع جامعه کنونی بین‌المللی نشان از آن دارد که ماجراهای جانشینی خیلی حساسیت‌برانگیز

<sup>1</sup>. Vienna Convention on Succession of States in respect of Treaties, 1978, Art. 2 (1)(b).

<sup>2</sup>. Secondary Obligations

<sup>3</sup>. ILC, Yearbook, vol. II, part. 2, Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, 2001 (ARSIWA).

## ۲/ کچه... حقوق مسئولیت بین‌المللی جانشینی دولت

است چرا که با موجودیت دولت به عنوان تابع اولیه و فعال جامعه بین‌المللی گره خورده است.

واقع پنهانه بین‌المللی، اعم از اجتماع<sup>۱</sup> و جامعه<sup>۲</sup> بین‌المللی،<sup>۳</sup> نشان از و گواه بر آن دارد که موارد جانشینی کشورها بسیار زیاد بوده‌اند. جدایی پاکستان از هندوستان، جدایی بنگلادش از پاکستان، جدایی مجمع الجزایر چاگوس، فروپاشی یوگسلاوی سابق، جدایی‌های صورت گرفته در جماهیر شوروی، جدایی دو کره، اتحاد دو یمن، جدایی سودان جنوبی از سودان<sup>۴</sup> و تا به امروز که سخن از جدایی کریمه از اوکراین و حتی کاتالونیا<sup>۵</sup> از اسپانیا به میان آمده است.<sup>۶</sup> این‌ها تنها نمونه‌هایی از موارد جانشینی هستند که البته صرف نظر از ادعاهای مربوط به جانشینی است. جانشینی کشورها به هر طریقی که صورت بپذیرید، از منظر حقوق بین‌الملل قابل بررسی است و مستلزم دولت بودگی است.<sup>۷</sup>

در جانشینی نظیر هر پدیده دیگری پرداختن به سه مقوله مقتضی است؛ مسائل مربوط به پیشاواقعه، درون-واقعه و پساواقعه. هر یک از این دسته‌ها نیز از منظرهای گونه‌گونی قابل تأمل و بررسی هستند. پیامدهای حقوقی جانشینی دولت‌ها از منظر

<sup>1</sup>. Society

<sup>2</sup>. Community

<sup>3</sup>. حدادی، مهدی و ستایش‌پور، محمد، «کنکاش در لزوم وجود نهاد «مسئولیت اشتغالی» در آورده‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل»، مطالعات حقوق عمومی، شماره ۳، ۱۳۹۶، صص ۷۸۵-۷۸۷.

<sup>4</sup>. جهت ملاحظه تاریخ‌نگاری نشکل و جدایی کشورها بنگرید به ضیائی، سید یاسر، درآمدی بر جدایی طلبی در حقوق بین‌الملل، شهر دانش، ۱۳۹۲، ص ۲۰۹-۲۱۵.

<sup>5</sup>. Weller, Marc, "Secession and Self-Determination in Western Europe: The Case of Catalonia", 18 October, 2017; at <https://www.ejiltalk.org/secession-and-self-determination-in-western-europe-the-case-of-catalonia/>

<sup>6</sup>. حدادی و کریمی، پیشین، صص ۷۱۶ و ۷۱۷؛ مجیدی، محمدرضا؛ فتحی، محمدجواد و جهانبخش، محمدتقی، «مدیریت بحران فدراسیون روسیه در مسئله اوکراین»، مطالعات اوراسیای مرکزی، شماره ۲، ۱۳۹۶، صص ۳۶۰ و ۳۶۱.

<sup>7</sup>. Ziemele, Ineta, "Room for 'State Continuity' in International Law? A Constitutionalist Perspective", in: *Sovereignty, Statehood and State Responsibility: Essays in Honour of James Crawford*, Christine Chinkin and Freya Baetens (eds), Cambridge University Press, 2015, p. 274.

## ۳۱ مقدمه...

مسئولیت بین‌المللی، در دسته مسائل مربوط به پساواقعه جای می‌گیرد؛ این بدان معناست که اساساً بررسی و مطالعه پیامدهای حقوقی جانشینی دولت‌ها از منظر مسئولیت بین‌المللی، در پس تحقق جانشینی کشور متصور است و به این جهت است که از آن تحت گزاره جانشینی دولت‌ها در زمینه مسئولیت بین‌المللی یاد شده است. البته خصیصه پسینی موضوع نباید موجب شود که آن را به موارد موجود محدود نمود، بلکه شایسته و بایسته می‌نماید که افزون بر به زیر ذره‌بین نهادن وضعیت‌های موجود، به امکان‌سنجی و آینده پژوهی نیز توجه گردد.

در واقع، جانشینی کشورها، پیامدهای حقوقی مختلفی می‌تواند به دنبال داشته باشد.<sup>۱</sup>

جانشینی کشورها، به عنوان یک پدیده بیرونی، از منظر حقوق بین‌الملل می‌تواند واجد آثار باشد که این، صرف نظر از چند و چون تحقق جانشینی است؛ از جمله و به ویژه در زمینه تابعیت اشخاص،<sup>۲</sup> معاہدات،<sup>۳</sup> اموال، بایگانی، اسناد و دیون.<sup>۴</sup> در این میان، پیامدهای حقوقی جانشینی دولت‌ها از منظر مسئولیت بین‌المللی، همواره، محل اختلاف بوده است. امکان اثر گذاری جانشینی دولت‌ها در زمینه مسئولیت بین‌المللی یکی دیگر از آثاری است که می‌شود در پس تحقق جانشینی کشور متصور شد که البته در مورد پذیرش حقوقی چنین پیامدی، اختلاف بسیار وجود دارد و بیشتر در عقاید برجسته‌ترین

<sup>۱</sup>. دریابی بغدادآبادی، سعید و سلیمانی، بالفضل، «آثار حقوقی حاکم بر انواع مختلف جانشینی دولت‌ها»، کنگره بین‌المللی حقوق ایران، دوره ۱، ۱۳۹۴، ص ۱۵.

<sup>۲</sup>. دریکوند، غلامرضا، جانشینی دولت‌ها و تأثیر آن بر تابعیت اشخاص طبیعی (حقیقی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر جمشید ممتاز، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۶، صص ۱۸۹ و ۱۹۰.

<sup>۳</sup>. Vienna Convention on Succession of States in respect of Treaties, *op. cit.*, Art. 1; Craven, Mathew, *The Decolonization of International Law: State Succession and the Law of Treaties*, Oxford University Press, 2010, pp. 7-9 and 103.

<sup>۴</sup>. Vienna Convention on Succession of State Property, Archives and Debts, 1983, Art. 1; see Menon, Parvathy, *The Succession of States in respect to Treaties, State Property, Archives and Debts*, 1991, pp. 159, 160 and 163.

## ۴/ کنک... حقوق مسئولیت بین‌المللی جانشینی دولت

نویسنده‌گان حقوقی (دکترین)، و برخی از آراء محاکم بین‌المللی، اعم از داوری و قضایی، بازتاب یافته است. کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، نیز که برآمد مطالعات آن، مادام که جامه کنوانسیون به خود نپوشیده باشد، به مثابه دکترین جمعی قلمداد می‌گردد<sup>۱</sup>، به تازگی و پس از کش و قوس فراوان، به تعبیر حکیم سخن ابوالقاسم فردوسی «بفرهنگ و تدبیر و آیین خویش»، بر آن شده است بکوشد تا به ایضاح پیامدهای حقوقی جانشینی دولت‌ها از منظر مسئولیت بین‌المللی پردازد و آن را سامان بخشد؛<sup>۲</sup> که البته «حمل بار شیشه ماند در مسیر ناهemoar».<sup>۳</sup> چه این که، در صورت نبود اهتمام لازم و بذل دقت کافی به ظرفت‌ها و نکات مرتبط با آن، ممکن است آثار سوئی به بار آورد.

دو رویکرد کاملاً متضاد در مورد جانشینی دولت‌ها از منظر مسئولیت بین‌المللی وجود دارد. گفتمانی که قائل به عدم جانشینی دولت جانشین در زمینه مسئولیت بین‌المللی بوده و نگرش مقابل که قائل به جانشینی در مسئولیت بین‌المللی است. این تعارض دیدگاه‌ها به خوبی حکایت از حساسیت موضوع دارد. این در حالی است که، در بسیاری از دیگر موضوعات، به رغم چالش‌هایی که فراروی آنان قرار دارد، اختلاف بر سر دامنه حق و تعهد، اجرا یا تفسیر آن‌ها است؛ حال آن که در موضوع حاضر، بود یا نبود حق و تعهد از اساس مورد اختلاف است.

<sup>۱</sup>. Murphy, Sean, "Codification, Progressive Development or Scholarly Analysis? The Art of Packaging the ILC's Work Product", in: *The Responsibility of International Organizations, Essays in Memory of Sir Ian Brownlie*, Maurizio Ragazzi (eds), Martinus Nijhoff Publishers, 2013, p. 40.

<sup>۲</sup>. ILC Report, A/71/10, 2016, *op. cit.*, p. 400.

<sup>۳</sup>. «من چه غم دارم که ویرانی بود / زیر ویران، گنج سلطانی بود» (مولانا جلال الدین بلخی)؛ «چنانچه فاتحان [سرزمین‌ها] را لوکوموتورانان تاریخ بداییم، لاجرم فاتحانِ آفکار، سوزنبانانی هستند که دور از چشم مسافران، مسیر سفر را معلوم می‌کنند.»

Koestler, Arthur, *Sleepwalker: A History of Man's Changing Vision of the Universe*, Macmillan Company, 1959, p. 41.

## ۵ مقدمه...

پیامدهای حقوقی جانشینی کشورها از منظر مسئولیت بین‌المللی، نه تنها در مورد مسائل برخاسته از جانشینی‌های قابل بررسی است که پیش‌تر اتفاق افتاده‌اند، جنبه آینده پژوهی نیز دارد. چه این که، جامعه بین‌المللی نظاره گر وضعیت‌های متعدد جانشینی دولت‌ها بوده و حتی تا به امروز نیز با آن مواجه است. چالش‌های ناشی از وضعیت کریمه، همه پرسی کردستان عراق، وقایع ارتکاب یافته در کاتالونیا شاهد مثال این مدعای است. تقاضای ۲۳ زوئن ۲۰۱۷ میلادی مجمع عمومی سازمان ملل متحد از دیوان بین‌المللی دادگستری جهت ارائه نظر مشورتی در خصوص پیامدهای حقوقی جدایی مجمع‌الجزایر چاگوس از موریس در ۱۹۶۵ مؤید ضرورت این موضوع است. این در حالی است که متأسفانه هنوز در خصوص جانشینی در زمینه مسئولیت ناشی از ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی دولت پیشین اختلاف نظر وجود دارد و دقیق مشخص نشده است که اصلاً دولت جانشین مسئولیت اعمال ارتکابی دولت پیشین تا به آن اندازه که به دولت جانشین مرتبط می‌شود را بر عهده دارد یا خیر.

در ادبیات پارسی حقوق بین‌الملل، در قاطبه کتاب‌های حقوق بین‌الملل عمومی، ذیل پرداختن به پیامدهای حقوقی بین‌المللی جانشینی کشورها، به موضوع پیامدهای حقوقی جانشینی دولت‌ها از منظر مسئولیت بین‌المللی اشاره شده و البته قائل به عدم جانشینی دولت‌ها در زمینه مسئولیت بین‌المللی هستند.<sup>۱</sup> در واقع، به فقد پیامد جانشینی دولت‌ها از منظر مسئولیت بین‌المللی پرداخته شده است تا این که بر پیامد جانشینی دولت‌ها از منظر مسئولیت بین‌المللی تدقیق شده باشد. چه این که اساساً قائل به چنین پیامدی نیستند. از میان آثاری که به جانشینی دولت‌ها در زمینه مسئولیت بین‌المللی توجه شده است، تا کنون در ادبیات پارسی حقوق بین‌الملل، یک مقاله، در مورد موضوع حاضر نگاشته شده

<sup>۱</sup>. به طور مثال بنگرید به ضیائی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: گنج دانش، ۱۳۹۱.

## ۶/... حقوق مسئولیت بین‌المللی جانشینی دولت

است<sup>۱</sup> که البته نگاهی کاملاً کلی دارد و صرفاً جنبه شرح وضعیت آن از منظر کمیسیون حقوق بین‌الملل دارد. افزون بر این، ترجمه کتاب آقای جیمز کرافورد<sup>۲</sup> با عنوان «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها: قواعد عمومی» که از سوی نشر قلم سنگلچ چاپ شده، در اثناء و به اقتضای مطالب خود، به این مقوله نیز، اشاره‌وار، توجه داشته است.<sup>۳</sup>

در ادبیات جهانی حقوق بین‌الملل، در رساله دکتری آقای پاتریک دامبری<sup>۴</sup> در سال ۲۰۰۶ میلادی به این موضوع پرداخته شده، که بعداً در قالب کتاب به زیور طبع آراسته شده است، لیکن، به اقتضای پویایی پنهان بین‌المللی و البته ایرادی که به دامنه موضوعی ایشان وجود دارد، بسیاری از مباحث در رساله ایشان، نیامده است. اهمیت موضوع، کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متعدد به عنوان نهادی که رسالت اصلی آن تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل است را بر آن داشته است تا به موضوع جانشینی دولت‌ها در زمینه مسئولیت بین‌المللی بپردازد. چه این که، پیش‌تر از مطالعه آن سر باز می‌زد و آن را به تعویق می‌انداخت و حتی در طرح ۲۰۰۱ راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها نیز آن را مسکوت باقی گذارد و بالاخره از سال ۲۰۱۶ میلادی بر آن شد تا بدان بپردازد و تا به امروز دو گزارش از سوی گزارشگر ویژه این نهاد، پاول استورما<sup>۵</sup> صادر شده است.

سؤال اصلی پژوهش پیش رو این است که پیامدهای حقوقی جانشینی دولت‌ها از منظر مسئولیت بین‌المللی چیست؛ و از این رهگذر بر آن است تا به دو پرسش فرعی

<sup>۱</sup>. شافع، میرشهیز و بندر، وحید، «جانشینی دولت‌ها در مسئولیت بین‌المللی»، تحقیقات حقوقی، ش ۱۳۹۷، ۸۱.

<sup>۲</sup>. James Crawford

<sup>۳</sup>. جیمز کرافورد (۲۰۱۳)، حقوق مسئولیت بین‌المللی: قواعد عمومی، ترجمه علیرضا ابراهیم‌گل و همکاران، قلم سنگلچ، ۱۳۹۶

<sup>۴</sup>. Patrick Dumberry

<sup>۵</sup>. Pavel Šturna

پاسخ داده شود؛ نخست این که وضعیت حقوقی انتقال تعهد دولت پیشین ناشی از ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی آن به دولت جانشین چگونه است؛ و دیگر این که، وضعیت حقوقی انتقال حق بر جبران خسارت از دولت پیشین به دولت جانشین چگونه است. فرضیه راقمان سطور حاضر بر آن است که جانشینی کشورها به عنوان یک واقعه حقوقی، از منظر قواعد حقوق مسئولیت بین‌المللی، دو پیامد عمدۀ دربر دارد؛ یکی، جانشینی دولت‌ها در زمینه تعهدات ناشی از عمل متخلفانه بین‌المللی و دیگری، جانشینی دولت‌ها در زمینه حق بر جبران خسارت. جانشینی دولت‌ها در زمینه تعهدات ناشی از عمل متخلفانه بین‌المللی غیر از جانشینی دولت‌ها در زمینه حق بر جبران خسارت است. جانشینی در زمینه تعهدات ناشی از عمل متخلفانه بین‌المللی به منزله انتقال تعهدات دولت-کشور متخلّف به دولت-کشورهای جانشین است. در حالی که جانشینی در زمینه حق بر جبران خسارت، به مثابه انتقال حق دولت-کشور زیان دیده در زمینه جبران خسارت به دولت-کشورهای جانشین است.

به رغم اهمیت موضوع، هیچ اثر فارسی به طور مستقل به آن نپرداخته و پژوهش مستوفایی در این زمینه صورت نپذیرفته است، انجام این پژوهش در قالب تزدکتری می‌تواند ابعاد نظری و عملی موضوع را تبیین و راهکارهای ممکن را به منظور پرکردن خلاهای حقوقی در این زمینه، عرضه نماید.

جستار حاضر یک پژوهش کمی به شمار نمی‌رود. بنابراین روش پژوهش به مفهوم تحقیقات کمی در آن وجود ندارد. راستی آزمایی فرضیه‌های این پژوهش از طریق توصیف، تحلیل منطقی و بررسی منابع حقوق بین‌الملل عمومی است. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و به صورت استفاده از استناد، کتاب‌ها، مقالات معتبر و تارنماهای مرتبط با موضوع بوده است که این اطلاعات از طریق فیش برداری جمع‌آوری شده‌اند. در این راه، صرفاً بر مطالعات کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد بستنده نشده

## ۸/... حقوق مسئولیت بین‌المللی جانشینی دولت

و افزون بر آن، بر دیگر منابع اصلی و نیز منابع فرعی، حقوق بین‌الملل نظر دوخته شده است.

فصل نخست کتاب پیش رو، می‌کوشد تا به پرتوافکنی در مفهوم یادشده پردازد. چه، این که دانستن و روشن شدن جایگاه هر مفهوم، پدیده، نهاد و گزاره‌ای در حقوق بین‌الملل عمومی با نحله‌های گونه‌گونی که دارد، بسیار حائز اهمیت است و اساساً نقطه آغاز است که چنانچه در این بادی مطلب، به اشتباہ رفته شود، «تا ثریا می‌رود دیوار، کج». فصل‌های دوم و سوم که منطقاً مستلزم ایضاح و پاسخ مثبت به مسائل مطروح در فصل نخست است، به گستره اعمال چنین پیامدهایی می‌پردازند و در این راه، نخست به جانشینی دولتها در زمینه تعهدات ناشی از اعمال متخلفانه بین‌المللی و سپس به جانشینی دولتها در زمینه حق بر جبران خسارت پرداخته می‌شود. فصل دوم (جانشینی دولتها در زمینه تعهدات ناشی از اعمال متخلفانه بین‌المللی)، در صدد برآمده است تا به این مقوله پردازد که چنانچه دولت مخالف چه می‌شود. فصل سوم (جانشینی دولتها در زمینه حق بر جبران خسارت)، بر آن شده است تا به انتقال حق بر جبران خسارت در پس جانشینی کشورها پردازد. لذا، جانشینی دولتها در زمینه تعهدات ناشی از اعمال متخلفانه بین‌المللی، ناظر بر جانشینی در مورد دولت مخالف و جانشینی دولتها در زمینه حق بر جبران خسارت، ناظر بر جانشینی در مورد دولت زیان دیده دانسته می‌شود. از آن جا که به موجب نظام مسئولیت بین‌المللی، علی الاصول، نخست به اعمال متخلفانه بین‌المللی و سپس به مقوله جبران خسارت پرداخته شده، در کتاب حاضر نیز، سازمان‌بندی به این نحو صورت گرفته است.